

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFECase No. 193Date of filing: 5 Jul'08

\*\* AWARD - Type of Award ITL  
 - Date of Award 5 Jul'08  
 \_\_\_\_\_ pages in English 13 pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
INTERLOCUTORY AWARD  
Case No. 193  
Chamber Three

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ

English version 23 JUN 1988  
Filed on \_\_\_\_\_  
نسخہ انگلیسی در تاریخ ۲۳ / ۶ / ۱۳۶۷  
ثبت شده است.

پرونده شماره ۱۹۳  
شعبه سه

حکم شماره ۳-۱۹۳-۶۸-آی.تی.ال

رضا سعید مالک،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،  
خوانده.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
دائرة داری دعوی ایران - ایالات متحدہ  
ثبت شد - FILED  
Date 5 JUL 1988 تاریخ  
۱۳۶۷ / ۶ / ۱۴  
No. 193 شماره

قرار اعدادی

DUPLICATE ORIGINAL  
نسخه برابر اصل

## اول - جریان رسیدگی

۱ - در تاریخ ۱۶ دیماه ۱۳۶۰ [ششم ژانویه ۱۹۸۲] رضا سعید مالک، دادخواستی علیه جمهوری اسلامی ایران ("ایران") به مبلغ -/۳،۵۷۶،۶۷۰ دلار امریکا، به سبب سلب ادعایی مالکیت خانه پدری و املاک او در شمیران، ایران و سهامش در دو بانک ایرانی، به ثبت رساند. در هشتم مهرماه ۱۳۶۱ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۲]، ایران لایحه دفاعیه‌ای در این پرونده ثبت کرد.

۲ - خواهان در دادخواست خود ادعا می‌کند که تبعه ایالات متحده است. خوانده در لایحه دفاعیه خود تصریح می‌کند که چون خواهان از صلب پدری ایرانی بوده و در ایران متولد شده طبق قوانین ایران تبعه آن کشور می‌باشد و بنابراین نمی‌تواند علیه ایران در دیوان دعوایی اقامه کند.

۳ - در تاریخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴]، دیوان عمومی تصمیم شماره الف-۱۸-۳۲ را در پرونده شماره الف-۱۸ صادر کرد. در آن تصمیم دیوان نظر داد "که صلاحیت رسیدگی به دعاوی اتباع مضاعف (اتباع ایران و ایالات متحده) علیه ایران را در مواردی دارد که تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذیربط (از تاریخ ایجاد ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹/۱۹ ژانویه ۱۹۸۱) تابعیت ایالات متحده بوده است."

۴ - در هفتم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۵] دیوان با صدور دستوری از خواهان خواست که "کلیه مدارک مستندی" را که مایل است دیوان در تعیین تابعیت غالب و موثر وی بررسی کند، ثبت نماید. در پاسخ به این دستور، خواهان در اول شهریورماه ۱۳۶۴ [۲۳ اوت ۱۹۸۵] لایحه‌ای درخصوص موضوع تابعیت خود به ثبت رساند. سپس، دیوان از خوانده دعوت کرد "کلیه ادله و مدارکی را که مایل است دیوان در رسیدگی به

از خواننده دعوت کرد «کلیه ادله و مدارکی را که مایل است دیوان در رسیدگی به موضوع تابعیت خواهان در پرونده حاضر، بررسی کند»، ثبت نماید. دیوان پس از سه بار تمدید مهلت اولیه ایران، در ۱۷ بهمن ماه ۱۳۶۵ [ششم فوریه ۱۹۸۷]، درخواست تمدید مهلت ایران برای بار چهارم را رد کرد و به طرفین اطلاع داد که در نظر دارد به محض اینکه برنامه کار دیوان اجازه دهد، طبق بند ۳ ماده ۲۸ قواعد دیوان براساس مدارکی که در آئینموقع در دست خواهد داشت به شور درباره موضوعات صلاحیتی پرونده حاضر بپردازد.

۵ - در ۱۶ فروردین ماه ۱۳۶۷ [پنجم آوریل ۱۹۸۸]، خواننده لایحه‌ای درخصوص تابعیت غالب و موثر خواهان به ثبت رساند. خواننده در لایحه اخیرالذکر استدلال نموده که ادعا از حیثه صلاحیت دیوان خارج است، زیرا ادعا بنابر آنچه در دادخواست ادعا شده در تاریخ نهم اسفندماه ۱۳۵۹ [۲۸ فوریه ۱۹۸۱]، بعد از رسمیت یافتن بیانیه‌های الجزایر به وجود آمده است. علاوه براین، خواننده معتقد است که حتی اگر دیوان ادعای مندرج در دادخواست را نادیده بگیرد، ضبط سهام بانکی و املاک خواهان، اگر اصولاً چنین اقدامی هم به عمل آمده باشد، به ترتیب در خرداد و تیر ۱۳۵۸ [ژوئن و ژوئیه ۱۹۷۹]، یعنی در زمان تصویب «قانون ملی شدن بانکها» و «قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن» صورت گرفته است. از آنجا که تاریخ مزبور مقدم بر تاریخ کسب تابعیت امریکایی خواهان است، لذا، این امر نیز ادعا را از حیثه صلاحیت دیوان خارج می‌کند.

۶ - در پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ [۲۵ آوریل ۱۹۸۸]، خواهان نظرات خود را درباره لایحه اخیر خواننده ثبت و به تاخیر در ثبت این لایحه اعتراض کرد.

دوم - سابقه امر

۷ - رضا سعید مالک در تاریخ ۳۱ مردادماه ۱۳۱۹ [۲۲ اوت ۱۹۴۰] از والدین ایرانی در تهران، ایران متولد گردیده و شناسنامه‌ای به شماره ۷۸ برای وی صادر شده است. حسب ادعا، وی تا سن ۱۷ سالگی مقیم ایران بوده و در این سن برای شروع تحصیلات دانشگاهی در انگلستان ایران را ترک کرده است. وی مدعی است که در سال ۱۹۶۴ از کالج انفیلد درجه پزشکی گرفته و سپس به عنوان انترن و پزشک مقیم، دوره‌های مختلفی را در بیمارستانهای ساسکس و لندن دیده است.

۸ - خواهان می‌گوید که در دسامبر ۱۹۶۶ هنگامی که ۲۶ سال داشت برای تصدی پست رزیدنسی اورولوژی در بنیاد و دانشکده پزشکی مایو "کلینیک مایو" در راجستر، ایالت مینه سوتا، به ایالات متحده رفت. خواهان تا ژوئن ۱۹۷۱ یعنی موقعی که تحت یک برنامه بورس پژوهشی یکساله به کارولینای شمالی رفت در کلینیک مایو به عنوان پزشک مقیم کار می‌کرد. او در ژوئن ۱۹۷۲، به کلینیک مایو مراجعت نموده و در ردیف گروه پزشکان آن کلینیک بکار مشغول شد.

۹ - خواهان مدعی است که از ژوئن ۱۹۷۲ که در ردیف گروه پزشکان کلینیک مایو قرار گرفته در سمت‌های مختلف در آن کلینیک کار کرده و اکنون عضو ارشد بخش اورولوژی کلینیک است. وی در طول اشتغالش در کلینیک، از بورس‌های گوناگون استفاده کرده و به عضویت بسیاری از انجمنهای پزشکی آمریکا، از جمله جامعه آمریکایی جراحان، آکادمی آمریکایی بیماریهای کودکان و انجمن اورولوژی آمریکا در آمده است، و نظر به تخصصی که در رشته پزشکی دارد، اسمش در کتاب "سرشناسان غرب میانه" Who's Who in the Midwest که بنگاه انتشاراتی "مارکی" در سال ۱۹۸۰ چاپ کرده، درج شده است. مقالات متعددی در نشریات پزشکی نوشته و در

در کنفرانس های متعددی در سراسر ایالات متحده سخنرانی کرده است.

۱۰ - خواهان ادعا می کند که از سال ۱۹۶۶ در راجستر، مینه سوتا که وی در حال حاضر آنجا زندگی می کند دو دستگاه خانه خریداری کرده است. او در فوریه ۱۹۷۹ با یک دختر ایرانی که بنا به اظهار خواهان از سال ۱۹۷۶ مقیم ایالات متحده بوده و تابعیت آن کشور را کسب کرده، ازدواج کرد. خواهان دارای یک فرزند است که در راجستر متولد شده است. در این مدت، وی در فرست بنک آو راجستر و مارکت بنک آو راجستر، مینه سوتا حساب بانکی داشته است.

۱۱ - بنابه اظهار خواهان، در ۱۵ تیرماه ۱۳۵۱ [ششم ژوئیه ۱۹۷۲] وی از اداره مهاجرت و تابعیت ایالات متحده درخواست کرد که وضع او از دانشجویی به مقیم دائمی قانونی تغییر داده شود. وی در هشتم شهریورماه ۱۳۵۱ [۳۰ اوت ۱۹۷۲] در یک دادگاه فدرال ناحیه ای در ایالات متحده حضور یافته و "با حسن نیت اعلام کرد که می خواهد به تابعیت ایالات متحده درآید". در اول بهمن ماه ۱۳۵۸ [۲۱ ژانویه ۱۹۸۰] خواهان تقاضای تابعیت امریکا را کرد و در ۱۴ آبانماه ۱۳۵۹ [پنجم نوامبر ۱۹۸۰] به تابعیت ایالات متحده درآمد.

۱۲ - خواهان اظهار می دارد که از زمانی که در سال ۱۹۷۲ مقیم امریکا شد به ایالات متحده مالیات پرداخته و از هنگام کسب تابعیت، در انتخاباتی که برگزار شده رای داده است. بعلاوه، خواهان از سال ۱۹۷۲ فقط دوبار به ایران رفته و هر دوبار به دعوت ایران و به دلیل تخصص پزشکی او بوده است. خواهان به دعوت و به هزینه مرکز پزشکی رضا پهلوی در فاصله بین هفتم تیرماه و ششم شهریورماه ۱۳۵۵ [۲۸ ژوئن و ۲۸ اوت ۱۹۷۶] و از دهم شهریورماه تا دهم مهرماه ۱۳۵۷ [از اول سپتامبر تا دوم اکتبر ۱۹۷۸] به دعوت و هزینه دانشگاه ملی ایران و مرکز پزشکی

شاهنشاهی به تهران رفته است. بنابه اظهار خواهان، وی از موسسات پزشکی ایران پیشنهاد شغل دریافت، ولی همه آنها را رد کرده است.

### سوم - تصمیم دیوان

#### الف - ملاحظات کلی

۱۳ - موضوعی که دیوان باید رسیدگی کند، به صلاحیت دیوان نسبت به این پرونده از لحاظ تابعیت خواهان مربوط می شود. خواهان اظهار می دارد که تبعه ایالات متحده است، حال آنکه خوانده مدعی است وی تبعه ایران می باشد. چنانچه دیوان به این نتیجه برسد که خواهان عملاً "تابعیت هر دو کشور را دارد، آنگاه باید تعیین نماید که تابعیت "غالب و موثر" او کدام است که نتیجتاً، وفق رای صادره دیوان عمومی در پرونده شماره الف ۱۸، باید در دادرسی حاضر ملاک عمل قرار گیرد.

۱۴ - دیوان عمومی در پرونده شماره الف ۱۸، رای داد که نسبت به ادعاهایی که اتباع ایران - ایالات متحده در دیوان اقامه می کنند فقط در صورتی صلاحیت دارد که "تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذیربط (از تاریخ ایجاد ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹/۱۹ ژانویه ۱۹۸۱) تابعیت ایالات متحده بوده است." این دو تاریخ از لحاظ صلاحیت دیوان تاریخ های تعیین کننده به شمار می آیند، زیرا طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی:

"ادعاهای اتباع ایران و یا ایالات متحده، بر حسب مورد عبارت است از ادعاهایی که از تاریخ بوجود آمدن ادعا تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه (یعنی ۲۹ دیماه ۱۳۵۹) مستمراً در اختیار اتباع آن کشور بوده اند.

باینکه دوره ذیربط از لحاظ تعیین صلاحیت دیوان واجد اهمیت است، ولی تنها مدتی نیست که باید در تعیین اینکه تابعیت امریکایی (یا حسب مورد تابعیت ایرانی) خواهان در مدت ذیربط "تابعیت غالب و موثر" وی بوده، مورد توجه قرار گیرد. مسلماً، برای احراز تابعیت غالب و موثر در هنگام به وجود آمدن ادعاء لازم است رویدادهای زندگی خواهان قبل از این تاریخ مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد. در واقع، تمام عمر خواهان از بدو تولد، و کلیه عواملی که در فاصله این مدت، بر واقعیت و خلوص نیت او در انتخاب تابعیت مورد ادعای وی دلالت داشته باشند، حائز اهمیت هستند. دیوان عمومی هنگامی که در رای خود در پرونده شماره الف ۱۸ متذکر گردید که دیوان باید "کلیه عوامل ذیربط و از جمله محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی" را مورد بررسی قرار دهد، کلیه این عوامل را در نظر داشته است (صفحه ۲۰ تصمیم شماره ۳۲- الف ۱۸- دیوان عمومی).

۱۵ - در میان کلیه این عوامل، مطمئناً تاریخ کسب تابعیت ادعایی غالب و موثر درخور توجه خاص است، بویژه اگر این امر نشان دهد که آن تابعیت در هنگامی به دست آمده که خواهان می توانسته پیش بینی کند که برای طرح دعوی بابت اموال خود با کسب این تابعیت می تواند در وضعیت بهتری قرار گیرد. با این وصف، تاخیر در دادن تقاضا یا در کسب چنین تابعیتی باتوجه به اوضاع و احوال روشن می شود. مثلاً در اینجا، مدارک نشان می دهد که تصمیم خواهان به اقامت در کشور مورد انتخابش و نیز تشکیل خانواده، زندگی حرفه‌ای و اقتصادی خود سالها قبل و بدون قصد مراجعت بعدی به کشوری که تابعیت آنرا نیز داشته، اتخاذ شده است.



ب - تابعیت غالب و موثر خواهان

۱۶ - بحثی نیست که طبق ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، خواهان به دلیل تولدش در ایران و تابعیت ایرانی پدرش، تبعه ایران است. خواهان مدعی نشده که هرگز پس از کسب تابعیت امریکایی طبق قوانین ایران درخواست ترک تابعیت ایران را کرده و یا اینکه تابعیت ایرانی خود را از دست داده است. از سوی دیگر، سوابق نشان می دهد که خواهان طبق قوانین ایالات متحده، تبعه امریکاست. همانطور که تقاضای تأیید اطلاعات از بایگانی اداره مهاجرت و تابعیت منضم به لایحه خواهان حاکی است وی در ۱۴ آبانماه ۱۳۵۹ [پنجم نوامبر ۱۹۸۰] به تابعیت ایالات متحده درآمده است. بنابراین، خواهان دارای تابعیت دوگانه ایران و ایالات متحده است.

۱۷ - بنابراین، موضوع ذیربط، تعیین تابعیت غالب و موثر خواهان در مدت زمان مربوط است. چنانکه هم اکنون ذکر شده، خواهان در ۱۴ آبانماه ۱۳۵۹ [پنجم نوامبر ۱۹۸۰] به تابعیت ایالات متحده درآمده است. بنابراین، هر ادعایی که قبل از آن تاریخ یا بعد از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به وجود آمده باشد، از صلاحیت دیوان خارج است. برای اینکه ادعایی قابل طرح باشد لازم است که در فاصله بسیار کوتاه بین این دو تاریخ به وجود آمده باشد.

۱۸ - در دادخواست، که خود خواهان آن را امضا کرده، ادعا شده که سلب مالکیت که ادعا بر آن مبتنی است "در ۲۸ فوریه ۱۹۸۱ [نهم اسفندماه ۱۳۵۹] به عمل آمده است." همانطور که خواننده ذکر کرده، این ادعا چنانچه اصلاح نمی گردید، دعوی را صرفنظر از تابعیت غالب و موثر خواهان، از حیثه صلاحیت دیوان خارج می کرد. ولی خواهان در تاریخ هشتم شهریورماه ۱۳۶۱ [۳۰ اوت ۱۹۸۲] در نامه ای که به دیوان تسلیم کرد، متذکر شد که می خواهد توضیحاتی راجع به آنچه که در ...

دادخواست بیان شده، بدهد" و در موقع مقتضی ثابت خواهد کرد که "سلب مالکیت مورد بحث عملاً" در فاصله بین ۱۴ آبانماه ۱۳۵۹ و ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [پنجم نوامبر ۱۹۸۰ و ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به عمل آمده است.

۱۹ - این نامه را می توان اصلاحیه دادخواست تلقی کرد. طبق ماده ۲۰ قواعد دیوان می توان چنین اصلاحیه ای را تسلیم کرد، "مگر آنکه دیوان داوری اینگونه اصلاحات را به علت تاخیر در انجام آن و یا تبعیض نسبت به طرف دیگر یا به علت هرگونه شرایط و اوضاع و احوال دیگر مصلحت نداند". باتوجه به این که نامه مورد بحث هشت ماه بعد از ثبت دادخواست و یکماه قبل از ثبت لایحه دفاعیه، تسلیم شده، دیوان معتقد است که تاخیر نامعقولی در تسلیم این اصلاحیه صورت نگرفته و لطمه‌ای به خواننده نزده است. علاوه براین، دیوان قبلاً" این ماده را بدینگونه تفسیر کرد که قاعده فوق دست طرفی را که می خواهد ادعای خود را اصلاح کند باز می گذارد و متذکر شده که "رویه دیوان نیز با این روش آزادمنشانه سازگار است". رجوع شود به : قرار اعدادی شماره ۱-۱۲۳-۵۷ مورخ دهم بهمن ماه ۱۳۶۴ [۳۰ ژانویه ۱۹۸۶] صادره در اینترنشنال اسکولز سرویسز و جمهوری اسلامی ایران. نتیجتاً چنین اصلاحیه‌ای می‌تواند قابل قبول باشد.

۲۰ - ولی، دیوان ملاحظه می‌کند که خواهان از آن زمان ادعای خود را دایر بر این که سلب مالکیت ادعایی در فاصله بین ۱۴ آبانماه ۱۳۵۹ و ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [پنجم نوامبر ۱۹۸۰ و ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به عمل آمده، ثابت نکرده است. شاید قصور در این امر به این دلیل بوده باشد که دیوان به طرفین دستور داده که لوایح بعدی خود را به موضوع تابعیت غالب و موثر [خواهان] محدود سازند، هرچند که این موضوع، همانطور که قبلاً" ذکر شد باید در رابطه با تاریخ به وجود آمدن ادعا مورد بررسی قرار گیرد.

۲۱ - خواننده استدلال می‌کند که اگر واقعا "سلب مالکیتی صورت گرفته باشد، طبق قانون ملی شدن بانکها" و "قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن" که به ترتیب در خرداد و تیر ۱۳۵۸ [ژوئن و ژوئیه ۱۹۷۹] تصویب گردیده، به عمل آمده است. درواقع، اگر وضع چنین می‌بود، دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای مربوط به سلب مالکیت ادعایی را نمی‌داشت، زیرا چنین ادعایی پیش از تاریخ کسب تابعیت امریکایی خواهان به وجود آمده و بدینسان طبق ترتیبی که در بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر گردیده، مستمرا" به یک تبعه ایالات متحده تعلق نداشته است. ولی، خواننده این مطلب را در آخرین لایحه خود به میان کشیده است. این لایحه در ۱۶ فروردین ماه ۱۳۶۷ [پنجم آوریل ۱۹۸۸]، یعنی چندین ماه پس از انقضای مهلتی که دیوان برای ثبت پاسخ خواننده راجع به موضوع تابعیت تعیین کرده بود، به ثبت رسید. خواهان فرصتی برای بحث راجع به این استدلال و تسلیم هیچگونه مدرک ذریبطه، نداشته است.

۲۲ - باتوجه به وضعیت کنونی این پرونده، دیوان نتیجه می‌گیرد که طرفین در مورد این موضوع به طور جامع بحث و استدلال نکرده اند و لذا، موضوع هنوز برای اتخاذ تصمیم آماده نیست. از اینرو، دیوان مساله تعیین تاریخ بوجود آمدن ادعا را به ماهیت دعوی منضم می‌کند، تا طرفین فرصت آنرا داشته باشند که کلیه استدلالات و مدارکی را که می‌خواهند دیوان در رابطه با این موضوع بررسی کند، ارائه دهند. ولی، دیوان این حق را برای خود محفوظ نگه می‌دارد که چنانچه مقتضی بداند براساس مدارک مستند تسلیمی طرفین راجع به صلاحیت خود نسبت به این تاریخ تصمیم بگیرد. در قرار اعدادی حاضر، دیوان با این فرض که دعوی طبق ادعای خواهان در نامه اوت ۱۹۸۲ وی، در فاصله بین ۱۴ آبانماه ۱۳۵۹ و ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [پنجم نوامبر ۱۹۸۰ و ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به وجود آمده، تصمیم خود را به تعیین تابعیت غالب و موثر خواهان محدود می‌کند، بدون اینکه این امر در تصمیم

آتی دیوان درباره این موضوع تأثیری داشته باشد.

۲۳ - دیوان اکنون به این مساله محدود بازگشته و مقدماتاً ملاحظه می‌کند که خواننده به ادعاهای خواهان راجع به رویدادهای مهم زندگی خویش و مدارک منضم به اظهاریه وی به طوری جدی ایراد نگرفته است. نظر به آنکه در این ادعاها تناقضاتی دیده نمی‌شود و باتوجه به اینکه برای تردید در صحت ادعاهای مزبور دلیلی در پرونده حاضر نیست، لذا دیوان بر این نظر است که می‌توان به آن ادعاها اعتماد کرد.

۲۴ - بادر نظر گرفتن عوامل متعدد ذیربطی که در بالا ذکر شد (رجوع شود به بندهای ۱۴ و ۱۵ بالا)، دیوان ملاحظه می‌نماید که خواهان بنا به اظهارات خود، ایران، یعنی کشوری را که در آنجا متولد شده و سالهای نخستین عمرش را در آنجا گذرانده بود، در سال ۱۹۵۸، در سن ۱۷ سالگی ترک کرده و از آن بی‌بعد هرگز در آن کشور اقامت نگزیده است. وی در انگلستان به تحصیلات دانشگاهی پرداخته و از آنجا فارغ‌التحصیل شده است. در سال ۱۹۶۶، در سن ۲۶ سالگی انگلستان را ظاهراً "بدون قصد اینکه مجدداً" در آنجا زندگی کند، ترک گفته و از آن به بعد در ایالات متحده اقامت و ابتدا به عنوان پزشک مقیم و سپس به عنوان عضو گروه پزشکی کلینیک مایو در راجستر، مینه سوتا کار کرده است. در سال ۱۹۷۲، به محض اینکه به عنوان مقیم دائمی قانونی پذیرفته شد رسماً اعلام کرد که قصد دارد تبعه ایالات متحده شود. خواهان در طول مدت اقامت خود در امریکا روابط محدودی با ایران داشته و فقط چند سفر کوتاه مرتبط با حرفه‌اش آن هم به دعوت دانشگاه و سایر مراکز پزشکی به ایران کرده است. وی با زنی ایرانی که قبلاً به مدت چندین سال در ایالات متحده اقامت داشته و بعداً به تابعیت امریکا درآمده، ازدواج کرده است.

۲۵ - گرچه همانطور که از ازدواج خواهان و سفرهایش به ایران برمی آید او هرگز علایق فرهنگی و عاطفی خود را با زادگاهش کاملاً قطع نکرده، ولی رفتار وی از زمان اسکانش در ایالات متحده در سال ۱۹۶۶، دلالت بر آن دارد که وی به طور کامل، و دانسته به جامعه امریکایی پیوسته است. این امر همچنین نشان می‌دهد که کسب تابعیت امریکایی وی نتیجه تصمیم قاطعی بوده که او در سال ۱۹۷۲ رسماً اعلام کرده است. درست است که خواهان ظاهراً می‌توانسته تقاضای تابعیت امریکا را قبل از تاریخی که به عمل آورده، تسلیم کند، ولی این تاخیر برای نفی نتیجه حاصل از واقعیت‌هایی که قبلاً ذکر شد، کافی نیست. خواهان درخواست کسب تابعیت امریکا را یکسال قبل از انعقاد بیانیه‌های الجزایر یعنی موقعی که روابط دو کشور [ایران و امریکا] بحرانی بود تسلیم کرد. در آن موقع پیش بینی امکانات قانونی‌ای را که موافقت نامه‌های مزبور برای اتباع امریکایی فراهم می‌کرد، مقدور نبود. در واقع، خواهان به عنوان یک پزشک، نمونه بارزی از "فرار مغزها" از کشورهای اصلی به کشورهای است که قادرند با فراهم کردن امکانات حرفه‌ای، دانشمندان و متخصصین را جلب نمایند.

۲۶ - بنابه دلایلی که در بالا بیان شده، دیوان بر این نظر است که تابعیت امریکایی خواهان، به مجرد اکتساب باید تابعیت موثر وی محسوب شود.

#### چهارم - قرار

۲۷ - باتوجه به مراتب پیش گفته، دیوان قراری به شرح زیر صادر می‌کند:

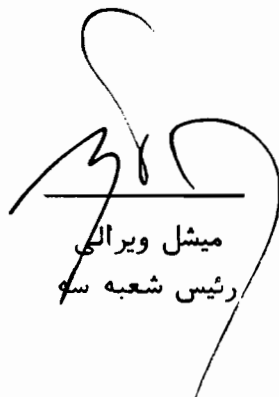
الف) تابعیت غالب و موثر خواهان، رضا سعید مالک، از لحاظ صلاحیت دیوان از تاریخ ۱۴ آبانماه تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [پنجم نوامبر ۱۹۸۰ تا ۱۹ ژانویه

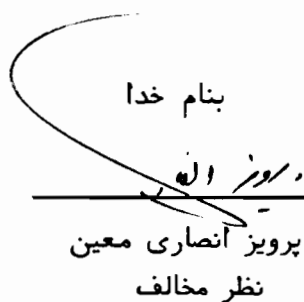
۱۹۸۱] تابعیت ایالات متحده بوده است.

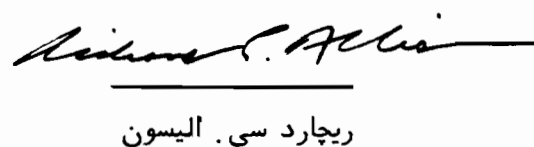
ب) موضوع تاریخ یا تاریخ های بوجود آمدن ادعاء به ماهیت دعوی منضم می شود.

ج) برنامه زمانی تسلیم لوایح و مدارک مربوط به کلیه موضوعات باقیمانده طی دستور جداگانه ای تعیین خواهد شد.

لاهه، به تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۶۷ برابر با ۵ ژوئیه ۱۹۸۸

  
میشل ویرالی  
رئیس شعبه سه

بنام خدا  
  
پرویز انصاری معین  
نظر مخالف

  
ریچارد سی. الیسون